



دانشگاه پیام نور

تاریخ اروپا در قرون وسطی

(رشته تاریخ)

دکتر علی بیگدلی



دانشگاه پیام نور

تاریخ اروپا در قرون وسطی

دکتر علی بیگدلی

ویراستار علمی: دکتر هوشنگ خسرویگی

نمونه خوانی: مدیریت تدوین

طراح جلد: فرشته فلاح دوست

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: انتشارات دانشگاه پیام نور

شمارگان: ۸۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول آبان ۱۳۸۴

شابک ۹۶۴ - ۳۸۷ - ۲۱۳ - ۰

ISBN 964 - 387 - 213 - 0

کلیه حقوق برای دانشگاه پیام نور محفوظ است.

قیمت: ۱۸۲۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

کتابهای دانشگاه پیام نور حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف به صورت درسنامه، آزمایشی، قطعی، متون آزمایشگاهی، فرادرسی، و کمک درسی چاپ می شود. کتاب درسنامه (د) نخستین ثمره کوششهای علمی صاحب اثر است که براساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصلهای مصوب تهیه می شود و پس از داوری علمی در گروههای آموزشی، بدون طراحی آموزشی و ویرایش چاپ می شود. با تجدیدنظر صاحب اثر و دریافت بازخوردها و اصلاح نارساییها، درسنامه با طراحی آموزشی، ویرایش، و طراحی فنی - هنری به صورت آزمایشی (آ) چاپ می شود. با دریافت نظرهای اصلاحی، صاحب اثر در کتاب تجدید نظر می کند و کتاب به صورت قطعی (ق) چاپ می شود. در صورت ضرورت، در کتابهای چاپ قطعی نیز تجدید نظرهای اساسی به عمل می آید یا متناسب با پیشرفت علوم و فناوری بازنویسی می شوند. متون آزمایشگاهی (م) متونی است که دانشجویان با استفاده از آن و راهنمایی مربیان کارهای عملی آزمایشگاهی را انجام می دهند. کتابهای فرادرسی (ف) و کمک درسی (ک) به منظور غنی تر کردن منابع درسی دانشگاهی تهیه می شوند. کتابهای فرادرسی با تأیید معاونت پژوهشی و کتابهای کمک درسی با تأیید شورای انتشارات تهیه می شوند.

مدیریت تدوین

فهرست

یازده.

مقدمه

۱	بخش اول. شکل‌گیری قرون وسطی
۱	فصل اول. تجزیه امپراتوری رم
۴	دلایل فروپاشی امپراتوری رم
۴	الف) دلایل داخلی
۵	ب) دلایل خارجی
۷	فصل دوم. نگاهی به یورش بربرها به امپراتوری و اروپای قرون وسطی
۱۱	اقوام مهاجم:
۱۲	الف) هون‌ها
۱۵	ب) گت‌ها (ویزگت‌ها - استروگت‌ها)
۱۸	نژاد - مسکن - مذهب گت‌ها
۲۲	ج) حمله مسلمانان
۲۴	د) یورش وایکینگ‌ها
۲۹	بخش دوم. جایگاه مسیحیت و کلیسا در قرون وسطی
۲۹	فصل اول. زمینه‌های شکل‌گیری مسیحیت
۲۹	الف) دوران قبل از تولد/حضرت مسیح (ع)
۳۳	ب) تولد حضرت مسیح (ع)
۳۵	ج) تعالیم حضرت مسیح (ع)
۳۹	فصل دوم. فلسفه مسیحیت
۴۱	الف) سن آگوستین مؤسس فلسفه مسیحیت
۴۴	ب) اختلافات مذهبی در مسیحیت اولیه

۴۹	بخش سوم. تشکیل حکومت در اروپای قرون وسطی
۴۹	فصل اول. مروونژین‌ها نخستین سلسله حکومتی فرانک‌ها
۴۹	الف) کلوویس نخستین پادشاه
۵۱	ب) سازمان سیاسی - نظامی کلوویس
۵۲	ج) نظام حقوقی
۵۵	د) نخستین اتحاد پاپ و پادشاه (کلوویس)
۵۸	هـ) سقوط سلسله مروونژین و طلوع سلسله کارلوونژین
۶۱	فصل دوم. سلسله کارلوونژین
۶۳	الف) شارل مارتل مؤسس سلسله کارلوونژین
۶۵	ب) شارلماین (شارل کبیر)
۶۶	ج) جنگ شارلماین با ساکسون‌ها
۶۷	د) تاجگذاری شارلماین
۶۹	هـ) نظام سیاسی شارلماین
۷۴	و) اختلاف سیاسی - مذهبی میان امپراتوران رم شرقی و غرب
۷۵	فصل سوم. تجزیه امپراتوری شارلماین (تشکیل دولت‌های مطلقه)
۷۸	الف) تشکیل سلطنت استبدادی مطلقه در فرانسه
۷۹	ب) جنگ کاپسین‌ها با انگلستان
۸۳	ج) داستان آوینیون
۸۴	د) تأسیس امپراتوری مقدس رم - ژومن (امپراتوری آلمان)
۸۵	هـ) تاجگذاری اتون کبیر
۸۷	و) سلسله هوهن شتوفن
۸۷	ز) فردریک دوم و سقوط سلسله هوهن شتوفن
۸۹	ح) تأسیس سلسله هابسبورگ
۹۰	ط) اتحادیه هانز
۹۰	ک) هابسبورگ‌ها
۹۱	ل) فرمان زرین
	م) رنسانس کارلوونژین
۹۷	بخش چهارم. فنودالیسم
۹۷	فصل اول. تعاریف و اصطلاحات
۱۰۱	الف) تشکیلات نظام فنودالی
۱۰۲	ب) مراسم سوگند یا تحلیف
۱۰۴	ج) شوالیه‌گری
۱۰۷	فصل دوم. اقتصاد فنودالی یا اقتصاد طبیعی
۱۰۹	الف) قوانین و نظامات فنودالی

۱۱۳	ب) محاکم قضایی
۱۱۴	ج) وظایف متقابل سرف و فنودال
۱۱۷	د) مالیات در قرون وسطی
۱۲۱	فصل سوم. جنگ میان امپراتوران و پاپ‌ها
۱۲۲	الف) جنگ هائری چهارم امپراتور آلمان و پاپ گریگوار هفتم
۱۲۴	ب) جنگ میان فردریک باربروس امپراتور آلمان و سن برنارد
۱۲۶	ج) جنگ میان فردریک دوم و پاپ اینوسان سوم
۱۲۹	بخش پنجم. جنگ‌های صلیبی
۱۳۱	فصل اول. کانون‌های درگیر قدرت در اروپا در آستانه جنگ‌ها
۱۳۱	الف) کلیسای کاتولیک
۱۳۱	ب) کلیسای ارتدوکس
۱۳۲	ج) سیسل
۱۳۳	د) اندلس
۱۳۵	فصل دوم. دلایل شروع جنگ‌های صلیبی
۱۳۶	الف) حضرت مسیح (ع)
۱۳۷	ب) پاپ
۱۳۸	ج) سلاجقه رم
۱۳۹	د) سنت‌های فنودالی
۱۳۹	هـ) بیکاری، بیماری و مشکلات اقتصادی
۱۴۱	فصل سوم. ترکیب قدرت‌های محلی در شرق در آستانه جنگ‌ها
۱۴۱	الف) خلافت عباسی
۱۴۲	ب) خلافت فاطمی
۱۴۳	ج) سلاجقه
۱۴۳	د) اسماعیلیان
۱۴۵	فصل چهارم. مقدمات جنگ‌های صلیبی
۱۴۵	الف) شورای کلرمون
۱۴۶	ب) اردوگشی تهیدستان
۱۴۷	ج) نخستین جنگ صلیبی
۱۴۹	د) دومین جنگ صلیبی
۱۵۱	هـ) سومین جنگ صلیبی
۱۵۴	و) چهارمین جنگ صلیبی
۱۵۷	فصل پنجم. نتایج جنگ‌های صلیبی
۱۵۷	الف) زوال فنودالیسم
۱۵۸	ب) رشد افکار فرهنگی متأثر از جوامع اسلامی
۱۵۸	ج) رشد بورژوازی

۱۵۹	(د) فتح بیزانس به دست صلیبون
۱۵۹	(هـ) تأثیر تمدن اسلامی در اروپا
۱۵۹	(و) ظهور دولت - ملت در اروپا
۱۶۰	(ز) تفرقه سیاسی - مذهبی در سرزمین‌های اسلامی
۱۶۰	(ح) سقوط بیزانس توسط ترکان عثمانی
۱۶۱	(ط) زمینه‌سازی بروز رنسانس
۱۶۳	فصل ششم. تولد، شهر - رشد بازرگانی - اتحادیه‌های صنفی
۱۶۳	الف) شهر
۱۶۷	ب) رشد بازرگانی
۱۶۸	ج) اتحادیه صنفی
۱۷۱	بخش ششم. تشکیل دولت‌های ملی در اروپا
۱۷۱	فصل اول. تشکیل دولت ملی در فرانسه
۱۷۱	الف) جنگ‌های صد ساله (۱۴۵۳-۱۳۳۷)
۱۷۲	ب) شورش‌های شهری و روستایی در فرانسه
۱۷۳	ج) اناژنرو
۱۷۴	د) اتین مارسل رهبر شورش شهری
۱۷۵	هـ) ژاکری نخستین شورش دهقانی
۱۷۶	و) قیام ژاندارک
۱۷۸	ز) تشکیل دولت ملی در عصر کاپسین‌ها
۱۸۰	ح) جنگ فیلیپ اکوست با پلانژانه‌ها
۱۸۳	فصل دوم. تشکیل دولت ملی در انگلیس
۱۸۴	الف) ژان سانتر منشورکیر (تأسیس پارلمان)
۱۸۵	ب) ژان سانتر و پاپ
۱۸۶	ج) ژان سانتر و فرمان کبیر (ماگنا کارتا)
۱۸۷	د) شورش‌های دهقانی و شهری در انگلیس
۱۸۸	هـ) شورش دهقانی جان بول
۱۸۹	و) شورش شهری - وات تیلور
۱۸۹	ز) جنگ گل‌ها و تأسیس سلسله تودورها
۱۹۳	فصل سوم. تشکیل دولت ملی در اسپانیا
۱۹۳	الف) حمله مسلمانان به اسپانیا
۱۹۵	ب) جنبش رکونکیستی
۱۹۶	ج) جنبش دهقانی در اسپانیا
۱۹۷	د) تشکیل دولت ملی توسط فردیناند

۲۰۱	فصل چهارم. اوضاع ایتالیا از قرن سیزدهم تا قرن پانزدهم
۲۰۱	الف) نزاع میان کلیسا و دولت‌های محلی
۲۰۲	ب) فلورانس
۲۰۳	ج) قیام چومبی‌ها
۲۰۴	د) جنبش اومانستی و رنسانس ایتالیا
۲۰۶	هـ) رنسانس ذوقی (هنر رنسانس)
۲۰۷	و) کشف راه‌های دریایی جدید و سقوط ایتالیا
۲۰۹	ز) ادبیات رنسانس
۲۱۱	بخش هفتم. علم و فلسفه در قرون وسطی
۲۱۱	فصل اول. زمینه‌های برخورد علم و فلسفه
۲۱۳	الف) مراحل تعامل و تقابل
۲۱۴	ب) سن توماس اکویناس (مکتب اسکولاستیک)
۲۱۹	فصل دوم. هنر و ادبیات
۲۱۹	الف) دانشگاه و آموزش و پرورش
۲۲۰	ب) فرهنگ
۲۲۱	ج) ادبیات
۲۲۲	د) هنر
۲۲۴	هـ) دانشگاه
۲۲۷	و) ریاضیات
۲۲۹	ز) هیئت و نجوم
۲۳۳	ح) علم طبابت
۲۳۹	فصل سوم. تأثیر علم و فلسفه اسلامی بر حوزه‌های مسیحی قرون وسطی
۲۳۹	الف) نهضت ترجمه (بیت‌الحکمه)
۲۴۳	ب) تأثیر تصوف و عرفان اسلامی بر علماء قرون وسطی
۲۴۷	بخش هشتم. اصلاحات دینی
۲۴۷	فصل اول. جنبش‌های ضدکلیسایی قبل از اصلاحات (آلبی‌ژوا)
۲۴۸	الف) جنگ‌های صلیبی داخلی
۲۵۰	ب) اصول انگیزشیون یا تفتیش عقاید
۲۵۷	فصل دوم. دلایل بروز اصلاحات دینی
۲۵۸	الف) جان وایکلیف
۲۶۰	ب) جان هوس
۲۶۱	ج) مارتین لوتر - جنبش پروتستان (اصلاحات دینی)
۲۶۴	د) ژان کالون

۲۶۶
۲۶۶
۲۶۹

هـ) جیوردانو برونو
و) جنبش ضد اصلاحات
ز) عواملی که به قرون وسطی خاتمه داد

۲۷۴
۲۷۸
۲۸۵

نتیجه گیری
پیوست
فهرست منابع

www.ketab.ir

مقدمه

برخی از مورخان اروپایی از جمله پل شالو^۱ با دیدگاه بدبینانه معتقد است که قرون وسطی انقطاعی در فراگرد تاریخ اروپا بوده است. زیرا حدواسط عصر کلاسیک اول (قرن پنجم و چهارم ق - م) و کلاسیک دوم (قرن هفدهم)، اروپا شاهد گودال عمیق و تاریکی است که آثار ارزشمند فکری - فرهنگی یونان - رم تحت نفوذ کلیسا در کنج صومعه‌ها دفن شده بود.

اما بعضی دیگر از مورخان مثل ژاک لوگوف^۲ دوره هزارساله قرون وسطی را مورد ستایش قرار می‌دهد. وی معتقد است که پس از فروپاشی امپراتوری رم غربی به دست بربرها (۴۷۶) تنها یک امپراتوری دینی قادر بود جغرافیای اروپا را حفظ کند. البته لوگوف با احتیاط طرفداری خود را مطرح می‌کند، زیرا وجه مشترک موافقان و مخالفان این دوره این است که قرون وسطی روند هویتی اروپا را دگرگون کرد. زیرا اروپاییان متعصب از جمله اومانیست‌ها خود را وارث هویت یونانی - رومی می‌دانند، درحالی که مدعی هستند مسیحیت، اروپا را دستخوش استحاله هویتی کرده است. زیرا مسیحیت یک انتظار و یک ضرورت ایدئولوژیک و اعتقادی سر برآورده از درون نابسامانی‌های یهود بوده است.

هیچ فرهنگ و تمدنی نتوانسته و نمی‌تواند اصالت و هویت اولیه خود را برای مدت طولانی حفظ کند. از سوی دیگر جوامع انسانی به دلیل نیازمندی‌های مادی و

۱. Poul Chalus مقدمه کتاب «جامعه فئودالی» از مارک بلوخ - ترجمه بهزادباشی. تهران. آگاه - ۱۳۶۳

2. Jacques le Goff: *des Intellectuels au Moyen - Age* Paris. Seuil 1982. P.7

معنوی و برپایه اصالت اشاعه فرهنگی و اصل فرهنگ‌پذیری ناچارند تن به تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بدهد.

به نظر می‌رسد تاریخ قرون وسطی را بایستی از دو دیدگاه متفاوت بررسی کرد: اول از نظر تاکتیکی و آن این است که پس از یورش ژرمن‌ها به اروپای غربی و سقوط امپراتوری هراز و یکصدساله رم، اروپا در آستانه تجزیه و اضمحلال بود و مردم دیگر هیچگونه اعتقادی به قدرت‌های سیاسی نداشتند، زیرا اروپاییان از رفتار و وعده و وعید سیاسیون بیزار شده بودند. اینک فقط یک ایدئولوژی آسمانی و یک پیام صلح‌آمیز می‌توانست اروپا را آرام کند و دست از رقابت‌های سیاسی بردارد. بنابراین مسیحیت موجب وحدت بخشی اروپا و حفظ این قاره در برابر اقوام سرکش داخلی مثل اسلاوها و خصوصاً دشمنان خارجی مثل مسلمانان شد. تنها یک همبستگی دینی می‌توانست اروپاییان را در مقابل ایمان قنوت‌مند مسلمانان حفظ کند. خصوصاً این که مسیحیت به تقلید از رواقیون پیام محبت‌آمیز برادری و برابری را میان توده‌ها جاری کرد و از سوی دیگر چون دین توده‌ها بود پیروان خود را از دنیاپرستی و تجمل‌خواهی معطوف به ساده زیستی و آخرت‌گرایی کرد. این رویه بهترین دارو برای مردم سیاست‌زده و آلوده دغدغه‌های حکومتی در اروپا بود. به این ترتیب مسیحیت برای قرون وسطی جامعه‌ای یکدست به وجود آورد که در آن سطح تنازعات اجتماعی بسیار پایین بود.

اما نگاه دوم، نگاه فکری - فرهنگی بود. از این جهت اروپای قرون وسطی یک نقطه انقطاع میان عهد باستان یونان و رم و دوران جدید به حساب می‌آید. اما علت عدم همسویی مسیحیت با حوزه اندیشه‌ورزی غیردینی، نامتجانس بودن اجزاء مسیحیت بود. به همین دلیل قرون وسطی در نگاه نخست مولود ائتلاف و همپوشی سه فرهنگ متضاد بود. اول فرهنگ فلسفی او که مخلوطی از فلسفه افلاطونیان - نوافلاطونیان و خصوصاً رواقیون بود. دوم فلسفه یهود که مسیحیت محصول تاریخی ناآرامی‌های درون قوم یهود بود. سوم فلسفه آخرت‌گرای مسیحیت که برگرفته از مذاهب آسیای صغیر (آئین اورفئوسی) و خاورمیانه بود.

قرون وسطی از ویژگی فرهنگی واحد مستقلی برخوردار نبود، بلکه برآیندی از دو تمدن غربی (یونان - رم) و شرقی (یهودی) بود. از سوی دیگر کلیسا بایستی علیه سنت‌های رمی - ژرمنی مبارزه کند. در ایتالیا حقوقدانان در پی حفظ و احیاء سنت رمی

بودند. در حالی که سنت ژرمنی در میان فتودال‌ها بیشتر طرفدار داشت. اما آنچه اهمیت دارد این که قرون وسطی در دوره سوم حیات روبه افول خود با اشکال مختلفی از دودیدگاه روبرو شد (از جنگ‌های صلیبی تا رنسانس). دوگانگی میان فلسفه و ایمان - سیاست و دیانت - حکومت آسمانی و دولت زمینی - فرهنگ لاتینی و فرهنگ توتونی (ژرمنیک) و میان جسم و روح و دنیاگرایی و آخرت‌گرایی. تمام این اختلاف‌ها در جنگ‌های طولانی امپراتور و پاپ تجلی پیدا کرد.

فلسفه مسیحیت که توسط سن آگوستین (قرن چهارم) و در رساله «شهر خدا» پی‌ریزی شد، بیشتر متأثر از فلسفه افلاطون بود. آگوستین تقدم حکومت آسمانی بر دولت دنیایی را در رساله خود ثابت و نظم داده بود. اما فلسفه مسیحیت در دوره دوم توسط سن آکویناس (قرن سیزدهم) بیشتر متأثر از فلسفه ارسطو بود. اصولاً گرایش مسیحیت به فلسفه ناشی از نیاز این دین به حمایت از خود در مقابل دشمنان بود. همان رویه‌ای را که علما اسلامی قبلاً شروع کرده بودند و مسیحیان از مسلمانان آموختند. از قرن سیزدهم که فلسفه اسکولاستیک (مدرسی) آکویناس نتوانست چارچوب فکری قرون وسطی را حفظ کند. رنسانس و جنبش اصلاح دینی، ترکیب فلسفی مسیحیت را از هم پاشید.

اروپا در قرن وسطی عموماً روی سه محور و رکن اساسی قرار گرفته بود. این محورها تمامی ابعاد جامعه قرون وسطایی را پوشش می‌داد: اول کلیسا که در رأس هرم قدرت قرار داشت و به همه چیز و همه کس رنگ دین می‌داد. به همین دلیل برخی قرون وسطی را عصر سلطه احکام و ارزشهای مسیحیت می‌دانند که همین سلطه فضا را برای جولان فکر و تأملات غیردینی محدود می‌کرد و هیچگونه آثار علمی حداقل در دوره اول قرون وسطی شکل نگرفت. باتوجه به اینکه قرون وسطی میراث‌دار علم و فلسفه یونان و نظام حقوقی رم بود. اما تنگ نظری‌های کلیسا، استبداد دینی و فراهم آمدن زمینه خرافاتی‌گرایی و میل به سعادت اخروی، موجب بروز رکود و سستی در بروز اندیشه‌ورزی مستقل شد.

در نظام سلسله مراتبی قرون وسطی که رسم فرمان از بالا و اطاعت از پائین برقرار بود، انسان به موجودی تابع و بی‌اراده تبدیل شده بود که خود را اسیر سرنوشت محنوم می‌دانست و از ورای جهان موجود به آخرت موعود می‌اندیشید و تعهد چندانی

به تحولات اجتماعی و بهبودی شرایط مادی خود نداشت. ماکیاول در رساله «شاهزاده» و در بخش رابطه سیاست و دیانت، پاپ را متهم می‌کند که سقوط امپراتوری رم نتیجه تعالیم کلیسا بود که مردم را از تعقل به حوزه تقید رهانید و به آنان آموخت که عاقبت در عاقبت است. و آنچه برانسان می‌گذرد سرنوشت از پیش تعیین شده است. به همین دلیل رمی‌ها در مقابل یورش بربرها بدون مقاومت تسلیم شدند. ماکیاول که دغدغه احیاء عظمت امپراتوری را دارد و در پی وحدت ملی ایتالیا است، جای دین را نه در کنار و نه در مقابل قدرت و سیاست زمینی، بلکه در پشت سر حکومت می‌داند.

به این ترتیب رکن اول، کلیسا سایه مشروعیت بخش خود را بر تمام پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی از جمله اقتصاد و سیاست می‌انداخت و همه چیز زمانی مقبولیت پیدا می‌کرد که دینی و در چارچوب مفاهیم کلیسایی باشد.

اما رکن دوم، فتودالیسم به عنوان زیرساخت مناسبات اجتماعی - اقتصادی هم پشتوانه کلیسا بود و هم از این نهاد کسب مشروعیت می‌کرد. البته رابطه میان این دو نهاد همیشه رابطه ثابتی نبوده است ولی هردو حافظ نظام ستی و نگه‌دار وضع موجود بودند، بطوری که کلیسا نیز خود به یک فتودال بزرگ تبدیل شد و تنها در فرانسه برده از کل زمین‌های مزروعی مالکیت داشت. فتودالیسم تنها یک نظام اجتماعی نبود، بلکه یک فتودال هم کشاورزی می‌کرد، هم حکومت و قضاوت و هم مالیات می‌گرفت. جامعه فتودالی، جامعه‌ای بسته، خودمحور و درونگرا بود. به گفته ابن‌خلدون جوامع بیگانه‌گریز، جوامعی هستند که به دلیل تن ندادن به اصل فرهنگ‌پذیری دستخوش و گرفتار سکون ذهنی می‌شوند. به همین جهت اروپای قرون وسطی دچار تصلب فرهنگی شده بود و فتودال بقا و هویت خود را در جنگ و ستیز جستجو می‌کرد.

عموماً قرون وسطی نتیجه همگرایی عناصر مسیحی و ژرمنی بود. این هردو عنصر کلاً با فضای فرهنگی رمی که خود وارث تمدن یونانی بود احساس بیگانگی می‌کردند. مسیحیت همه را غیر از خود کافر و شایسته سرزنش و حتی مجازات مرگ می‌دانست. همانطور که یونانیان هرکس را که غیر هلنی بود بربر می‌دانستند، کلیسا نیز غیرمسیحی را بربر و وحشی می‌دانست. مسیحیت اولیه که از ترس تهدیدهای یهودیان فلسطین، به رم پناه برده بود و قرن‌ها مکافات و مجازات این پناهندگی را پرداخت

ویرکول اینک که به قدرت رسیده بود می‌خواست وحشیان را مجازات به مثل کند و تمام آثار و علائم زندگی رومیان را تحریم و تکفیر کرد. اما ژرمن‌ها که از قرن دوم میلادی از کناره رود دانوب به دلیل ضیق معیشت روانه غرب و در پشت مرزهای امپراتوری مقیم شده بودند، بعداً به عنوان نیروهای مزدور به خدمت امپراتوری درآمدند و به مقام حاجبی نیز رسیدند. هر قدر امپراتور ضعیف می‌شد، اینان قوی‌تر می‌شدند تا اینکه امپراتوری را سرنگون کردند. قبل از سرنگونی امپراتوری، مسیحیت، پنهانی با ژرمن‌ها ارتباط برقرار کرده بود و حتی بعضی از فرمانروایان بربر به دین مسیحیان درآمدند و با زنان مسیحی ازدواج کردند. بنابراین سقوط امپراتوری محصول همزیستی آشکار و پنهان این دو عنصر بود که پس از سقوط، دنیا را ژرمن‌ها و آخرت را مسیحیان برداشتند ولی بعداً سر تقسیم باهم جنگیدند.

اما رکن سوم که بار فرهنگی - دینی داشت، زبان لاتین بود. مسیحیت چون زائیده ناآرامی‌ها و ناکامی‌های یهود بود، در فلسطین زایش پیدا کرد و این منطقه و این آئین برای نخستین بار مقهور فرهنگ هلنی شد. بنابراین یونانیان نخستین عامل فرقه‌گرایی میان یهودیان شدند، بطوری که عده‌ای از اشراف یهودی، یونانی‌مآب شدند و اکثریت یهودیان به آئین کهن خود وفادار ماندند. بنابراین، زبان یهودی - مسیحی که زبان دینی بود، به زبان یونانی تبدیل شد. به طوری که اناجیل اربعه به زبان یونانی نگارش شده است. اما زمانی که مسیحیت قدم به سرزمین رم گذاشت، مخصوصاً هنگامی که به فرمان امپراتور کنستانتین در سال ۳۱۳م به مسیحیان آزادی عمل دینی داده شد، زبان دینی مسیحیان به لاتین، یعنی زبان امپراتوری برگشت. از آن زمان زبان لاتین زبان عبادت و ایمان و موعظه - زبان هنر و معماری و حتی زبان علم و فلسفه شد. به نوعی که مسیحیت و لاتین انفکاک ناپذیر بودند و آئین کاتولیک و زبان لاتین عوامل همبستگی و گفتمان غالب به ویژه در اروپای غربی شد. به همین اعتبار، اسپانیا پس از سلطه بر آمریکای مرکزی و جنوبی این دو عنصر را قهراً بر مردم آن دیار تحمیل کرد و سرزمینشان نام آمریکای لاتین گرفت. هنوز هم در تمام کلیساهای کاتولیک، زبان دینی و رسمی لاتین است. همان‌گونه که در اسلام زبان عربی به عنوان زبان دینی عامل وحدت‌بخش میان مسلمانان است و همچنین زبان عبری بین یهودیان جهان این نقش را دارد.

معمولاً هیچ تمدنی بدون دین شکل نگرفته است و تمام تمدنهای بزرگ بخشی از تاریخ خود را در عصر حکومت دینی سپری کرده‌اند. در ایران مزدائیسیم. در چین کنفوسیونیسیم. در ژاپن شیتونیسیم در رم پاگانیسیم (پاگان یعنی کافر. این لقبی بود که مسیحیت به دین رومیان داد) در هند بودیسیم در یونان اورفئوسیسیم غالب بود، هرچند شیوه چندخدایی یا polytheism نیز حاکم بوده است. نکته‌ای که در رابطه دین با دوموضوع رقیب یعنی سیاست و علم در طول هزارساله قرون وسطی بچشم می‌خورد. ضمن این که از اهمیت عملکردی و عدم انطباق کلیسا با شرایط بالندگی علم خبر می‌دهد، نشان دهنده تبعیت کلیسا از مکتب «رفتارگرایی» است.

قرون وسطی به اعتبار حوادثی که در درون خود به وجود آورد به سه دوره در رابطه با سیاست و علم قابل تقسیم است: دوره اول از استقرار قرون وسطی در سال ۴۷۶ تا سال ۸۰۰ م که مصادف با تاج‌گذاری شارلماین است ادامه یافت. در این دوره کلیسا بدون تعارض داخلی و دور از تهدید خارجی بر تمامی مواضع قدرت مسلط شد. در ابتدای قرون وسطی، پاپ صرفاً خود را جانشین عیسی مسیح (ع) می‌دانست که رسالت او هدایت انسان به سوی فلاح و رستگاری و دوری جستن از جیفه دنیایی بود. اما حمله مسلمانان در سال ۷۱۱ م به اروپا، کلیسا را با دشمنی ایدئولوژیک و قدرتمند روبرو کرد. او فهمید دیگر با دستورالعمل‌های ساده دینی - اخلاقی نمی‌تواند تعارضات داخلی و تهدید خارجی را مهار کند. بنابراین برای مقابله با دشمن قدر قدرت (مسلمانان) ناچار شد، دین را معطوف به رهیافت نظامی کند. به همین دلیل علیرغم میل باطنی خود، امپراتوری را با نهادن تاج بر سر شارلماین (شارل کیپر) سرفرمانده فرانک‌ها در روز تولد حضرت مسیح و به سال ۸۰۰، تحت عنوان «امپراتور مقدس رم» تأسیس کرد. به این ترتیب از یک سو فاجعه بزرگ و از جهت دیگر نقطه عطفی در تاریخ قرون وسطی و حیات مسیحیت پس از رسمیت یافتن مسیحیت در رم به فرمان کنستانتین ۳۱۳ بود، زیرا عملاً تجزیه و تقسیم قدرت صورت گرفت. تمرکز قدرت از حیطه کلیسا بیرون رفت و امپراتوری در مقابل پاپ و سیاست در برابر دیانت قرار گرفت. شارلماین در کنار قصر خود به تقلید افلاطون برای تدریس علوم غیردینی آکادمی را بنا نهاد. به این صورت دانشگاه در تعارض با کلیسا واقع شد. پاپ دشمنی را به دست خود و برای خود بنیاد نهاد که در قرن‌های بعدی دو حادثه مهم را در قرون

وسطی باعث گردید: یکی جنگ میان امپراتور و پاپ که ظاهراً بر سر زعامت کلیسا بود، چون کلیسا منبع درآمد خوبی به جهت امدای هدایا - نذور - صدقات و املاک وقفی هم برای پاپ و هم برای امپراتور به حساب می‌آمد. این جنگ مردم را از هردو نهاد دین و حکومت بیزار کرد و احتمالاً جنگ‌های صلیبی مفری برای گریز از این بیزاری بود.

در دوره اولیه قرون وسطی عصر تقدم حوزه دین نسبت به حوزه قدرت سیاسی بود و همچنین دین نیازی به رویکرد علمی - فلسفی نمی‌دید. زیرا مدعی بود که آنچه مورد نیاز بشر است، مسیحیت در خود دارد. در دوره اولیه که عصر ظلمت علمی حاکم بود، رژیم فئودالی استقرار یافت و اقتصاد معیشتی یا اقتصاد طبیعی حاکم شد. اروپا به حوزه‌های پراکنده قدرت سیاسی تقسیم گردید و مناسبات اجتماعی در یک سیکل بسته و درونگرا عمل می‌کرد.

دوره دوم یا دوره میانه قرون وسطی از عصر امپراتوری مقدس رم تا پایان جنگ‌های صلیبی ادامه یافت. در این دوره شارلماین دست به نوعی رهیافت علمی، منتهی در سایه حمایت کلیسا زد، زیرا روابط امپراتور با پاپ بسیار دوستانه بود. این رهیافت تحت عنوان «رنسانس کارولنژین»^۱ یا «رنسانس شهری»^۲ نقطه شکل‌گیری اندیشه «مدرنیته»^۳ و جنبش روشنفکری را از قرن دوازدهم فراهم آورد.

در این دوره نبرد میان اندیشه علمی و باورهای دینی آشکار شد. به نظر می‌رسد نخستین فیلسوفی که با تبیین یک دستگاه فلسفی مدرن به جنگ کلیسا رفت «پیتر آبلار»^۴ فرانسوی بود. او در کتاب معروف خود «خلاصه دیالکتیک»^۵ اعلام کرد: «ایمان جهت مقبولیت خود در برابر عقل باید نیازهای آن را برآورد کند، و خود را به سلاح «استدلال» بیاراید. ضمناً کوشش مهم آبلار این بود که اولاً دین و عقل را از سلطه قدرت برهاند. ثانیاً موجبات سازش و وحدت میان الهیات و فلسفه را فراهم آورد.

در حوزه علم «راجر بیکن»^۶ انگلیسی است که روش قیاسی را تحقیر کرد و از تجربه و آزمایش که پایه روش استقرایی است حمایت نمود. او رشد علوم و اختراعات نوینی را پیش‌بینی کرد.

1. Renaissance Carolingienne

4. Peter Abelart (1079-1142)

2. Renaissance Urbaine

5. Sommaire Dialectique

3. Mdernite

6. . Roger Bacon

اما یکی از فلاسفه‌ای که همچنان بر استحقاق و اثبات تقدم دیانت بر علمیت پافشاری می‌کرد «آنسلم»^۱ بود. او از مریدان فلسفه آگوستین است و عمده‌ترین مبحث او در باره اثبات وجود خدا است. آنسلم معتقد بود که وحی یا الهام پایه عقل است و شخص باید معتقدات کلیسایی را پیش از آن که در باب آنها استدلال کند بپذیرد. این عقیده ایمان را مقدم بر برهان عقلی می‌دانست. از این دوره، عصر تقابل ایمان و فلسفه شروع شد.

در قرن سیزدهم، سن توماس آکویناس فیلسوف برجسته ایتالیایی که از کشیشان شاخص کاتولیک بود، برای سازگاری و آشتی میان علم و فلسفه از یک‌سو و ایمان و عقل از طرف دیگر مکتب مدرسی «اسکولاستیک»^۲ را بنا نهاد. نقطه آکویناس به دو نوع معرفت باور داشت: اول معرفتی که در حقایق ماوراءالطبیعه بحث می‌کند و دین از ایمان و وحی نشأت می‌گیرد. دوم معرفتی که از حقایق طبیعت سخن می‌گوید و متکی بر عقل صالح است. هیچ‌یک از این دو مخالف هم نیستند جز این که وقتی عقل به محدودیت‌های خود اقرار می‌کند، ایمان پا در میان می‌نهد.

در دوره میانه نیز پس از جنگ‌های صدساله (۱۴۵۳-۱۳۳۷م) در فرانسه و انگلیس و بعد از اخراج مسلمانان از غرناطه در اسپانیا (۱۴۷۹م)، دولت‌های ملی تشکیل شد. به این ترتیب نظام امت جای خود را به سیستم ملت داد و منافع ملی جایگزین علائق دینی شد. حوزه قدرت کلیسا تابعی از حوزه اقتدار ملی گردید. تمام این تغییرات ناشی از شکل‌گیری غیرآشکار طبقه بورژوازی بود که از دولت و وحدت ملی حمایت می‌کرد. این درحالی بود که جنبش‌های دهقانی در انگلیس «وات تیلور» و در فرانسه «ژاکری» و قیام‌های ضد کلیسایی از جمله «آلبی ژوآها» در فرانسه بنیاد فئودالیسم و کلیسا را متزلزل کرده بود.

اما در دوره سوم و پایانی قرون وسطی که بعد از جنگ‌های صلیبی (۱۲۹۶م) شروع شد و تا رنسانس و اصلاحات دینی ادامه یافت، عملاً عصر تأخر دیانت نسبت به علم و سیاست بود، زیرا دولت‌های استبدادی مطلقه دیگر از پاپ تبعیت مطلق نمی‌کردند بلکه خود را نماینده و سایه خدا بر روی زمین می‌دانستند. فلسفه از حیطه کلیسا بیرون رفت و دو پدیده نوین یعنی ادبیات و هنر بر پایه تفکر اومانیستی و

1. Anselm (1033-1109)

2. Scholasticpue

نگرش‌های سکولاریستی ظاهر شدند. «دانت»^۱ نماینده ادبیات مدرن بود. او کتاب جنجالی خود «کمدی الهی»^۲ را که محصول مطالعات گسترده او روی تمام ادیان الهی است، به زبان ایتالیایی یا محلی و غیردینی می‌نویسد. و مراتب دوزخ، برزخ و بهشت را با تمسخر ترسیم می‌کند. او ضمن تجلیل از اندیشه اومانیستی ویرژیل، ادیب و شاعر بزرگ رم باستان، برضد معتقدات تنگ‌نظرانه کلیسایی اعتراض کرد و آزادی و تجدیدگرایی را ستود ولی در باطن خواهان وحدت ایتالیا و احیای عظمت امپراتوری رم بود.

شخصیت‌های برجسته دیگری مثل پترارک و بوکاچیو آشکارتر انسان را در کانون توجهات ادبی و شعری خود قرار دادند. ضمناً صنعت چاپ نیز به رشد اندیشه اومانیستی کمک شایسته‌ای کرد. چنین به نظر می‌رسد که سیر تحول تمدن و فرهنگ غرب تابع یک نظم و هماهنگی نامرئی بوده است، زیرا حوادث و پدیده‌ها پشت سر یکدیگر - همدیگر را تکمیل می‌کردند. تقریباً یک قرن بعد شایستگی مثل داوینچی^۳ رافائل^۴ میکل‌آنژ، منطق نقاشی، مجسمه‌سازی و معماری را تغییر دادند. (تن دادن غربی‌ها به تغییر گفتمانی و پذیرش مستدل آن رمز پیشرفت تمدنی آنان است). هنری که در عصر مطلق قرون وسطایی در خدمت چهره‌نگاری مقدسان کلیسا با سیمایی آخرت‌گرا بود. هنر معماری که تجلیگاه آن کلیسا و کاتدرال^۵ بود - اینک در تلاش است تا قصر زیبای پادشاهان و ثروتمندان را بنا کنند. نقاشی اکنون انسان دنیاگرا را با لبخندی شادی‌آفرین و امیدبخش ترسیم می‌کند.

بالاخره جنبش اصلاح دینی آخرین ضربه را بر جزمیت کلیسا وارد کرد و به این ترتیب رخدادی به نام «رنسانس» به دوران پرفراز و نشیب قرون وسطی و عصر مطلق‌گرایی کلیسا خاتمه داد. هرچند در عصر رنسانس هیچ شمشیری علیه دین و کلیسا کشیده نشد، بلکه کلیساها بازسازی گردید، و مسیحیت که تاکنون نظارتی عام بر تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان داشت، اینک در حاشیه زندگی، تنها به تصحیح روابط خالق و مخلوقی بسنده کرده بود.

1. Dant e' (1255-1321)

2. La Divine Comedie

3. Leonardo da vinci(1452 - 1519)

4. Raphaël (1483-1520)

5. Michel - Ange (1475 - 1564)

۶. Cathedrale کلیسای جامع و مرکز شورای اسقفان که نقشی در انتخاب پاپ دارند.